

## تحلیل رمان «عشق سال‌های جنگ» بر پایه‌ی مؤلفه‌های مکتب رئالیسم

سیمین علی‌زاده<sup>۱</sup>

ناهید اکبری<sup>۲</sup>

رضا فرصتی جویباری<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۸

### چکیده

رئالیسم، مکتبی است که خود را نسبت به بازآفرینی دقیق جامعه‌ی انسانی، متعهد می‌داند. هنرمندان رئالیسم، با پرداختن به زندگی قهرمانان، نمایی از اوضاع اجتماعی و سیاسی یک ملت را به نمایش می‌گذارند و به همین جهت، آثار داستانی دفاع مقدس از منظر بازتاب واقع‌گرایی می‌توانند آثاری درخور توجه باشند. با توجه به جایگاه و اهمیت رئالیسم در آثار واقع‌گرای دفاع مقدس، در این مقاله تلاش می‌شود تا به روش توصیفی-تحلیلی، مؤلفه‌های رئالیسم در رمان «عشق سال‌های جنگ» مورد واکاوی قرار گیرد. نتایج مطالعات حاکی از آن است که این رمان، با دارا بودن ویژگی‌هایی همچون توصیف جزئیات، خلق دنیای درون شخصیت‌های داستانی، توجه به زمان و مکان، تأکید بر واقعیات ملموس زندگی، کاربرد زبان محاوره‌ای، تیپ‌سازی از شخصیت‌ها، ترسیم وقایع زشت جامعه و... در زمره‌ی رمان‌های واقع‌گرا قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** رمان، واقع‌گرایی، رئالیسم، ادبیات داستانی، عشق سال‌های جنگ.

<sup>۱</sup>- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران. رایانامه: siminalizadeh48@gmail- com

<sup>۲</sup>- استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران. (نویسنده‌ی مسؤول). رایانامه: nahidakbari@mailfa- com

<sup>۳</sup>- استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران. رایانامه: dr- forsati@yahoo- com

## ۱- مقدمه

### ۱-۱- بیان مسأله

رمان به عنوان شاخه‌ای از ادبیات داستانی، چشم‌اندازی وسیع از زندگی افراد مختلف را پیش روی خواننده می‌نهد و این گونه، شالوده‌ی یک جامعه را در ابعاد مختلف در خود منعکس می‌کند. «لوسین گلدمن»،<sup>۱</sup> رمان را سرگذشت جستجوی تباه ارزش‌های راستین در جهانی ناراستین می‌داند که و در عین حال، «نوعی زندگی‌نامه و وقایع‌نامه‌ی اجتماعی است.» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۳). رمان، چشم‌اندازی وسیع از زندگی را پیش روی خواننده می‌نهد و این امکان را برای خواننده فراهم می‌کند که تمام زندگی را به چشم ببیند.

رئالیسم<sup>۲</sup> به عنوان یک جنبش ادبی در دهه‌ی ۱۸۳۰ در فرانسه مطرح شد و «از آغاز قرن نوزدهم تا آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴)، شکل غالب نگارش داستان بود.» (پاینده، ۱۳۸۹: ۲۷). «بنیان‌گذاران این مکتب، شانفلوری،<sup>۳</sup> مورژ<sup>۴</sup> و دورانتی<sup>۵</sup> بودند و البته بالزاک<sup>۶</sup> نیز تأثیر شگرفی در نگارش رئالیسم داشت. او با نوشتن «کمدی انسانی»، گام جدیدی در این عرصه نهاد.» (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۲۷۱). رئالیسم به منزله‌ی اصطلاحی نقادانه به منظور اشاره به متونی به کار می‌رود که در آن‌ها بین متن و واقعیت توصیف‌شده، ارتباطی مستقیم برقرار است. این مکتب در حوزه‌های مختلف فرهنگ بشری همانند فلسفه، نقاشی و ادبیات، معانی مختلفی دارد. در حوزه‌ی ادبیات، رئالیسم، سعی دارد تصویری واقعی از زندگی بشری ارائه دهد که ضد افراط ادبیات تخیلی و شخصی و احساساتی است. این مکتب، تمام جهات واقعیت را بدون دخالت ذهن نویسنده در نظر دارد و سعی می‌کند زندگی را همان گونه که هست، نشان دهد.

رئالیسم همچون آموزه‌ای هدفمند، تحت تبیین صاحب‌نظران بزرگ قرار گرفت که هر یک، مؤلفه‌هایی را برای این مکتب برمی‌شمردند و شرح می‌دادند. «شانفلوری، رمان‌نویس مشهور فرانسوی به توضیح و تبیین برخی اصول اولیه‌ی رئالیسم می‌پردازد؛ مثلاً، دقت در توصیف جزئیات و شخصیت‌هایی در طبقات پایین و بهره‌وری از واقعیات ملموس را جزء مؤلفه‌های این مکتب می‌خواند.» (ولک<sup>۷</sup>، ۱۳۷۷:

<sup>۱</sup>- Lucien Goldmann-

<sup>۲</sup>- Realism-

<sup>۳</sup>- Jules Champfleury-

<sup>۴</sup>- Henri Murger-

<sup>۵</sup>- Luciana Duranti-

<sup>۶</sup>- Honoré de Balzac-

<sup>۷</sup>- René Wellek-

۱۳). لوکاج<sup>۱</sup> نیز به تأثیر شخصیت‌های تپیک در یک اثر رئالیستی توجه می‌کند. به اعتقاد او، «وجود یک شخصیت نوعی در یک دوره‌ی تاریخی مشخص از نظر انسانی و اجتماعی، جنبه‌ی اساسی دارد.» (لوکاج، ۱۳۸۰: ۱۳). از ویژگی‌های بارز مکتب رئالیسم، آن است که نویسنده هرگز در تحلیل روابط موجود در جامعه از توصیف جزئیات غفلت نمی‌کند؛ زمان و مکان رویدادها را به دقت مورد بررسی قرار می‌دهد و با بیان تلخی‌ها، دردها و حوادث ملموس اجتماع، جنبه‌ی واقع‌گرایی رمان را تقویت می‌کند. هم‌چنین با نشان دادن تپ‌های شخصیتی بر واقعی بودن شخصیت‌های داستان تأکید می‌کند و احساسات و افکار درونی شخصیت‌های داستانی را جهت آشنایی بیشتر مخاطبان بیان می‌کند. علاوه بر آن، داستان را از زاویه‌ی دید خود (در مقام سوم شخص - راوی، یا اول شخص - مشاهده‌کننده‌ی صحنه) شرح می‌دهد تا باورپذیرتر باشد و با کمک زبان محاوره‌ای، داستان را واقع‌تر جلوه می‌دهد. این مکتب در ایران، پس از نهضت مشروطه مورد توجه قرار گرفت و خلق رمان‌هایی با مضمون اجتماعی و سیاسی از نتایج این ظهور بود. طبق این مکتب، «رمان‌نویس باید جامعه‌ی خود را تشریح کند و بتواند تپ‌های موجود در آن را نشان دهد و «جزئیات زندگی را با دقت و ظرافت کامل بیان کند.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). هدف ظهور این مکتب در هنر و ادبیات، آن است که «با مسائل عمده‌ی حیات آدمی سر و کار داشته باشد تا بتواند ریشه‌ی هر چیزی را که در زیر لایه‌های زندگی روزانه نهفته است، جستجو کند.» (رادفر و حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۰).

در دهه‌ی هفتاد، هر چقدر از تب و تاب جنگ فاصله می‌گیریم، غیر از وجود برخی از رمان‌های ارزشی، بسیاری از این داستان‌ها از دیدگاه واقع‌گرایانه‌تری برخوردار می‌شوند؛ یعنی، جنبه‌ی آسیب‌شناسانه‌ی آن مورد توجه قرار می‌گیرد و به دور از هرگونه آرمان‌طلبی افراطی و تعصب‌آبانه به شناسایی کامل از پدیده‌ی جنگ می‌پردازند و آن‌ها را بر محور عدالت‌طلبی توصیف می‌کنند. برخی از داستان‌های دهه‌ی هفتاد با انواع نگرش‌های موجود در آن، شامل رمان‌های ارزشی هستند؛ مانند رمان «عشق سال‌های جنگ» از حسین فتاحی. این دهه، یکی از دوره‌های پربار ادبی پس از انقلاب است که شامل تنوع در ساختار، موضوع، اندیشه و ورود صداها و طرح‌های تازه است. دومین دهه‌ی بعد از انقلاب، با رویدادهای مهمی از جمله پایان جنگ، بازنگری در قانون اساسی، برنامه‌ی توسعه و سازندگی همراه بود. این تحولات به تدریج موجب بازنگری و دگرگونی‌هایی در سیاست‌های فرهنگی حاکم هم گردید هم‌چنین گفتگوهای انتقادی متنوعی شکل گرفت و فضای فرهنگی جامعه‌ی ایران بازتر شد که این تحولات فکری، زمینه را برای نقد عقلانی در ایران دهه‌ی هفتاد فراهم آورد.

<sup>۱</sup>- György Lukács-

در این دهه، رمان‌هایی متأثر از جریان‌های سیاسی - اجتماعی تولید می‌شدند که خودشان را به شکلی واقع‌گرا مطرح می‌کردند. هم‌چنین به علت افزایش میزان داستان‌های جنگی، بسامد داستان در حوزه‌ی رئالیسم نیز افزایش یافت.

حسین فتّاحی، متولّد ۱۳۳۶ از یزد، دارای مدرک کارشناسی در رشته‌ی حسابداری است و از جمله نویسندگان معاصر ایران است که در سه حوزه‌ی تألیف، ترجمه و بازنویسی آثار کلاسیک<sup>۱</sup> فارسی برای کودکان و نوجوانان، آثار متعدّدی منتشر کرده است. «آتش در خرمن» و «پسران جزیره» در زمینه‌ی ادبیات پایداری از جمله آثار اویند. او در رمان «عشق سال‌های جنگ»، گوشه‌هایی از حوادث جنگ را با زندگی خصوصی رزمندگان و جانبازان گره زده است که نشان‌دهنده‌ی میزان تجربه و آگاهی او از مضامین جنگ و دفاع مقدّس است. «عشق سال‌های جنگ» با ۲۶ فصل به عنوان یک رمان «ماجرامحور» معرفی شده است. فتّاحی در «عشق سال‌های جنگ»، موتیف‌هایی همچون نفرت، انسان و تنهایی، تردید، ایثار، تحوّل شخصیت، جنگ و عشق را برمی‌گزیند که به نوعی، قابلیت تطبیق با هم را دارند. عشق به جدایی یا عشق به استقلال یافتن و از پراکندگی در آمدن و یکی شدن‌گردها از جمله موتیف‌های برجسته در این داستان محسوب می‌شوند. این رمان، جزء داستان‌هایی است که می‌توان در آن، دریچه‌ای پیدا کرد که از طریق آن، جامعه‌ی بین سال‌های جنگ و دفاع مقدّس را به طور کاملاً محسوس و عینی مشاهده کرد.

#### ۲-۱- پرسش پژوهش

در این پژوهش، سعی بر آن است تا به این پرسش پاسخ داده شود که مؤلفه‌های مکتب رئالیسم چگونه در داستان عشق سال‌های جنگ بازتاب داده شده است؟

#### ۳-۱- پیشینه‌ی پژوهش

پیدایش انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی و ضرورت بازتاب حوادث ناشی از این دو پدیده‌ی عظیم در حوزه‌ی رمان بر کسی پوشیده نیست. رمان، اساساً زاییده‌ی مدنیّت و مناسبات اجتماعی - فرهنگی است. حضور قشرهای عامی و عادی جامعه در صحنه‌های انقلاب و جنگ، موجب شد تا رمان پس از انقلاب اسلامی، مُبیین و مُفسّر واقعی انسان‌های درگیر دنیای پرتهاپ امروز باشد؛ از این رو، رمان از بدیع‌ترین و برجسته‌ترین اشکال ادبی ایران پس از انقلاب به شمار می‌آید. ضرورت این تحقیق از این جهت مورد توجه قرار می‌گیرد که می‌توان با داشتن نگاه منصفانه و واقع‌گرایانه به بررسی ادبیات داستانی

<sup>۱</sup>- Classic-

<sup>۲</sup>- Motif-

جنگ در دهه‌ی هفتاد پرداخت و نوع و سیر فکری نویسنده و شیوه‌ی بازتاب مؤلفه‌های واقع‌گرایی را نسبت به جنگ مورد بررسی قرار داد.

در حوزه‌ی مؤلفه‌های رئالیسم و بازتاب آن در ادبیات داستانی، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته که به اختصار شامل موارد زیر است:

۱. نسرین امام‌دادی (۱۳۹۶) پایان‌نامه‌ی «مطالعه‌ی تطبیقی عناصر شاخص رئالیسم در سووشون و مادام بوواری»، دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. متینا خدمتگذار (۱۳۸۸) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «رئالیسم و کلیدر»، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۳. حمیدرضا فرضی و رستم امانی (۱۳۹۱) در پژوهش «بازتاب رئالیسم در رمان‌خانه ادریسی‌ها»، نشریه‌ی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد.

۴. بزرگ علوی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب مؤلفه‌های رئالیسم در داستان «گیله-مرد»، مجله‌ی ادبیات فارسی.

با وجود آثار پژوهشی مذکور، تاکنون پژوهشی به نقد رمان «عشق سال‌های جنگ» از منظر رئالیسم نپرداخته است. بنابراین، محدوده‌ی پژوهش را بر مبنای این رمان به عنوان یکی از رمان‌های معاصر (دهه‌ی هفتاد) در زمینه‌ی جنگ و دفاع مقدس قرار داده‌ایم تا مؤلفه‌های مکتب رئالیسم در این روایت مورد بررسی قرار گیرند.

۴-۱- روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی است و بر پایه‌ی منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت گرفته است.

## ۲- چارچوب مفهومی پژوهش

۲-۱- رمان جنگ

ادبیات داستانی در تکوین میراث و هویت فرهنگی و ادبی هر جامعه، نقش بسزایی دارد. یکی از اشکال رایج در ادبیات داستانی ما، رمان است. «رمان، نثری است روایی در قالب نوشتار با حجم نسبتاً زیاد که خواننده را به دنیای واقعی - خیالی می‌برد و چون این دنیا را نویسنده آفریده، تازگی دارد.» (لور،<sup>۱</sup> ۱۳۸۱: ۱۹).

موضوع و مقوله‌ی جنگ - با ابعاد و گستردگی فراوانش - چشم‌انداز جدیدی را پیش روی داستان‌نویسی گشوده است. هر گوشه‌ای از جنگ و ویژگی‌های آن می‌تواند دست‌مایه‌ی بدیعی برای

رمان و داستان کوتاه باشد. جنگ، همیشه یک تم<sup>۱</sup> اساسی برای داستان‌نویسی جهان بوده است. جنگ به عنوان یکی از دست‌مایه‌های اصلی رمان‌نویسان و یا به عبارتی بهتر، یکی از ژانرهای اصلی رمان گردیده است. عرصه‌ی گسترده‌ی داستان جنگ می‌تواند از طریق ثبت هنرمندانه‌ی وقایع، تصویرگر دلاوری‌ها، حماسه‌ها، پیکارها، شکست‌ها، پیروزی‌ها و... باشد. در رمان جنگ به دنبال این نیستیم که کدام شکل روایت از جنگ کامل‌تر و دقیق‌تر است؛ بلکه مهم، این است که با پذیرش آن که انواع روایت از جنگ وجود دارد، باید دریابیم که هر یک از روایت‌ها- با وجود ابعاد و زوایای مختلف- چگونه به واقعیت جنگ پرداخته‌اند.

## ۲-۲- مکتب رئالیسم

«مفهوم رئالیسم در لغت از ریشه‌ی «رس»<sup>۲</sup> به معنای «چیز» است که مفهوم «رئال»<sup>۳</sup> از این ریشه گرفته شده است که از آن به «چیزگرایی» تعبیر می‌کنند.» (گرانث<sup>۴</sup>، ۱۳۷۹: ۵۶). این واژه در مفهوم عام به معنی علاقه و تمایلی بنیادین به عین موضوع خارج از ذهن است. در واقع، رئالیسم در مفهوم عام را می‌توان «در تمامی آثاری که از سطح ظواهر عینی فراتر رفت و حقایقی از روابط گوناگون و پویای انسان‌ها با یکدیگر و با محیط‌شان، بیان کرد.» (کادن<sup>۵</sup>، ۱۳۸۰: ۳۶۳). این مکتب، نخست به طرز تفکری اطلاق می‌شد که با تعبیر فلسفی سر و کار داشت که «معنای آن، اعتقاد به واقعیت اندیشه‌ها بوده است.» (ولک، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۱). به مرور زمان، نویسندگان واقع‌گرا، رئالیسم را همچون آموزه‌ای هدفمند مطرح کردند که «دقت در توصیف و علاقه‌مندی به طبقات پایین، آفرینش تصاویری از زندگی عادی انسان‌ها و نشان دادن دیالکتیک درونی زندگی اجتماعی و... را در اولویت کار خود در این مکتب قرار داده‌اند.» (گلشیری، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۳۵). نویسندگان واقع‌گرا در آثار خود در پی آفریدن تصویری هستند که به واسطه‌ی شباهت زیادش با ادراک عادی ما از زندگی، مجذوب‌کننده است.

## ۲-۳- مؤلفه‌های مکتب رئالیسم

### ۱-۲-۳- توصیف جزئیات

«بدین معنا که نویسنده سعی می‌کند به جزئیات حوادث بپردازد تا حوادث را در نظر مخاطب، واقعیت‌تر جلوه دهد.» (داد، ۱۳۸۳: ۲۵۷). در واقع، نویسنده برای نمود واقعیت جامعه‌ی خود، مشاهدات خود و آنچه از جراید خوانده را ثبت می‌کند تا اثری واقع‌نما به روش هنری خلق کند.

<sup>۱</sup>- Theme-

<sup>۲</sup>- Res-

<sup>۳</sup>- Real-

<sup>۴</sup>- Damian Grant-

<sup>۵</sup>- Johan Anthony Cuddon-

## ۲-۳-۲- خلق دنیای درون شخصیت‌ها

«ایان وات»<sup>۱</sup> تمایز قطعی رمان از انواع ادبی دیگر را در فردیت بخشیدن به شخصیت‌ها و توصیف مشروح محیط‌شان خلاصه می‌کند (وات، ۱۳۷۴: ۲۵). «با توجه به این که در دنیای واقعی، امکان شناخت شخصیت‌های متعدد انسانی بسیار محدود است، داستان می‌تواند خواننده را در زمان کوتاهی با تمام زوایای روح شخصیت‌ها آشنا سازد.» (اولیایی‌نیا، ۱۳۷۹: ۵۳) و خواننده به راحتی بتواند به بررسی و تحلیل شخصیت‌ها با آگاهی کافی بپردازد.

نویسندگان رئالیست سعی می‌کنند به ارزش‌یابی فردی شخصیت‌ها و بررسی ساختار انسانی، روانی و اجتماعی آن‌ها بپردازند. در داستان‌های رئالیستی، همواره سعی بر آن است که پرده از اوضاع روحی، روانی و اخلاقی شخصیت‌ها اعم از ترس‌ها، امیدها، آرزوها و نجواها، کینه‌ها و افکار درونی برداشته شود تا شخص مخاطب، شخصیت داستانی خود را به راحتی شناسایی کند. در داستان‌های غیر رئالیستی به ماهیت درونی افراد توجهی نمی‌شود و بیشتر، عنصر حادثه و کنش، درشت‌نمایی می‌شود. در چنین داستان‌هایی غالباً، دیدگاه‌ها و گرایش‌های کلی شخصیت‌ها بیان می‌گردد؛ اما شخصیت داستان‌های رئالیستی باید فردی باشد که نماینده‌ی طبقه‌ی خاصی است. اغلب این شخصیت‌ها، پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایینی دارند. در این داستان‌ها، انسان، اجتماعی توصیف می‌شود و احساسات و روایات فردی در شکل‌گیری حوادث، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در داستان‌های واقع‌گرا، راوی به طور مستقیم از ویژگی‌ها نمی‌گوید؛ بلکه از طریق گفتمان شخصیت‌ها و نشان دادن کنش‌های آنان، روایت داستان را واقع‌گرا و نمایشی جلوه می‌دهد.» (ریمون کنان<sup>۲</sup>، ۱۳۸۷: ۹۵).

## ۳-۳-۲- توجه به زمان و مکان

«همه‌ی ما هنگام خواندن روایت، دوست داریم بدانیم کجا هستیم و به دنبال نشانه‌های مکانی و زمانی واضحی از زمان و مکان واقعه می‌گردیم.» (Toolan, 2001: 95). «در رمان رئالیستی باید به دو موضوع اشاره کرد:

الف) برجسته شدن زمان با ذکر تاریخ وقوع حادثه

ب) پیروی از الگوی تقویمی زمان (پاینده، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۲).

مسیر زمان در این داستان‌ها از نقطه‌ای شروع می‌گردد و به نقطه‌ای ختم می‌شود. حتی اگر نویسنده از شیوه‌ی بازگشت به گذشته استفاده کند، خط زمان در آن، گم نمی‌شود. در داستان‌های رئالیستی، زمان و مکان داستان با درون‌مایه و فضای حاکم بر داستان مطابقت می‌کند؛ به گونه‌ای باید متصور شد شخصیت‌ها

<sup>۱</sup>- Ian Watt-

<sup>۲</sup>- Shlomith Rimmon- Kenan-

بدون موقعیت زمانی و مکانی در خلأ زندگی می‌کنند. «شخصیت‌های رمان در زمان و مکان واقعی زندگی می‌کنند تا بتوانند خود آن‌ها را واقعی جلوه داد.» (شکری، ۱۳۸۶: ۲۴۳). «از آنجا که زمان و مکان، لازم و ملزوم یکدیگر هستند، اهمیت دادن به زمان باعث می‌شود تا مکان نیز اهمیت یابد. صحنه‌پردازی و توصیف محیط می‌تواند آشکارکننده‌ی ویژگی‌های شخصیت‌ها و شرایط ذهنی و روحی آن‌ها باشد.» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۹۳). زمان و مکان، نقش سازنده‌ای در روند داستان رئالیستی دارند. لازم است تا خواننده در هنگام خواندن رمان، باور کند که شخصیت‌های رمان در زمان و مکان واقعی زندگی می‌کنند تا بتواند خود آن‌ها را واقعی بیندارد (شکری، ۱۳۸۶: ۲۴۳). زمان و مکان به گسترش ساختمان داستان‌های واقع‌گرا کمک می‌کنند. گاهی اشیا و مکان‌ها در برخی از داستان‌ها، آن‌چنان اهمیتی دارند که هر کدام به صورت یک شخصیت داستانی درمی‌آیند.

#### ۴-۳-۲- زبان ساده و محاوره‌ای

هرچه کلماتی که بر زبان شخصیت‌ها جاری می‌شود، محاوره‌ای‌تر و صمیمی‌تر باشد، جنبه‌ی رئالیستی و واقع‌گرایی رمان نیز بیشتر می‌شود. «نویسنده با به کار گرفتن زبان محاوره و نثری که در آن، هر شخص با زبان طبقه‌ی خود سخن می‌گوید، خواننده را به واقعیت نزدیک می‌کند.» (فتوحی رودمعجنی و صادقی، ۱۳۹۲: ۴).

#### ۵-۳-۲- تأکید بر واقعیات ملموس زندگی

طبق سخن ارسطو<sup>۱</sup> و وظیفه‌ی هنر و به خصوص ادبیات، بازنمایی حقیقت نیست؛ بلکه آفرینش، موضوعی حقیقت‌نماست (ارسطو، ۱۳۴۳: ۳۵).

رئالیسم، زندگی را همان‌گونه که در روزمره‌ی انسان است، به تصویر می‌کشد. رئالیست‌ها به جای تکیه بر رویدادهای فراواقعی مانند رؤیا، خواب و اسطوره، سعی بر بازنمایی واقعی و عینی محیط زندگی شخصیت‌ها دارند. حتی شخصیت‌های این داستان‌ها نیز، واقعی خلق می‌شوند؛ به گونه‌ای که به راحتی در ذهن خوانندگان جای می‌گیرند. نویسنده‌ی رئالیست به شخصیت‌هایش ویژگی‌هایی می‌دهد که ممکن است این ویژگی‌ها برگرفته از آدم خاص یا ترکیبی از مختصات خود نویسنده باشد.» (گلشیری ۱۳۸۰: ۲۳۰).

#### ۶-۳-۲- تیپ‌سازی از شخصیت‌ها

هر شخصیت، متشکل از ویژگی‌های نسبتاً پایداری است که در یک طرح یا کل، وحدت یافته و شکل گرفته است. شناساندن شخصیت‌های داستانی به خواننده که نویسنده، هر کدام را با خصوصیات اخلاقی و روحی مشخصی در دنیای داستان آفریده است، در قدیمی‌ترین متون ادبی به کار رفته است و قدمتی بسیار

<sup>۱</sup>- Aristotélēs-

طولانی دارد. «در یونان کهن، کلمه‌ی «کاراکتر»<sup>۱</sup> علاوه بر معنا و مفهومی که ارسطو برای تراژدی<sup>۲</sup> از آن استنباط کرده است، عبارت بود از: «طرح‌های منثوری از تیپ‌های مختلف آدم‌ها که در الگوی خاصی گنجانده شده بودند. این نوشته از «کاراکتر»های «تئوفراستوس»<sup>۳</sup> - ۳۷۲ تا ۲۸۷ قبل از میلاد - فیلسوف یونانی که شاگرد ارسطو بود، سرچشمه گرفته است.» (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۵۰).

«در داستان‌های رئالیستی، هر شخصیت علاوه بر این که ویژگی‌های خاص خود را دارد، توصیف‌کننده‌ی قشر و طبقه‌ای است که از آن برخاسته است.» (گلشیری، ۱۳۸۰: ۲۳۰). «شخصیت‌های داستان رئالیستی، مانند انسان‌های واقعی به دو گروه خوب و بد تقسیم می‌شوند و همگی دارای انفعال شخصیت هستند؛ زیرا خود می‌توانند رفتارهای کاملاً ارادی از خود بروز دهند و خوب یا بد، تیره یا روشن باشند.» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۹۵-۸۵).

نقش والای اثر رئالیستی با ابداع شخصیت نوعی (تیپ) مشخص می‌شود. تیپ «یعنی شخصیتی که وجود کانون همگرایی و تلاقی تمام عناصر تعیین‌کننده‌ای می‌شود که در یک دوره‌ی تاریخی مشخص، از نظر انسانی و اجتماعی، جنبه‌ی اساسی دارند.» (پاینده، ۱۳۷۷: ۱۰۱).

#### ۷-۳-۲- ترسیم وقایع تلخ و زشت جامعه

رئالیست‌ها، همواره سعی می‌کنند حقایق تلخ جامعه را به شیوه‌های گوناگون بیان کنند. همان گونه که لوکاج، معتقد است «داستان باید از تجارب و واقعیات به ویژه تجارب تلخ محیط حکایت کند.» (لوکاج، ۱۳۸۱: ۲۰). بدین ترتیب هر حادثه یا پدیده‌ای با توجه به حوادث مربوط به آن بررسی می‌شود.

#### ۸-۳-۲- زاویه‌ی دید

در داستان‌های غیر رئالیستی برخلاف داستان‌های رئالیستی، زوایای دید حالت ثابتی ندارند. آن‌ها از واقع‌نگاری آشکار دور شده و به ذهنیت‌گرایی می‌رسند؛ همانند جریان سیال ذهن که در داستان‌های غیررئالیستی کاربرد دارد و آن، دیدگاهی است که در آن، تفکرات و ادراکات شخصیت‌ها، همان طور که در ذهن پیش می‌آید، ارائه می‌گردد؛ اما زاویه‌ی دید داستان‌های رئالیستی غالباً به شیوه‌ی سوم شخص عینی یا اول شخص، ناظر است. در داستان‌های رئالیستی، راوی، نقش خود را در تفسیر حوادث، برجسته نمی‌سازد و گویی حوادث، خود سخن می‌گویند. راوی باید هر آنچه را که در روند داستان مؤثر است، بازگو کند و جزئیات، باید در خدمت هدفی واحد باشد.

### ۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

#### ۱-۳- حسین فتاحی و رمان عشق سال‌های جنگ

۱- Character

۲- Tragedy

۳- Theophrastus

حسین فتّاحی، متولد سال ۱۳۳۶ در یزد است که در سه حوزه‌ی ترجمه، بازنویسی و نویسندگی فعالیت می‌کند. «آتش در خرمن»، «پسران جزیره»، «عشق سال‌های جنگ»، «مدرسه‌ی انقلاب»، «کودک و طوفان»، «امیر کوچولوی هشتم»، «بازنویسی قصه‌های شاهنامه» و «سمک عیار»، جزو کارنامه‌ی هنری او محسوب می‌شوند. از میان آثار او، «عشق سال‌های جنگ»، رمان دهه‌ی هفتاد در حوزه‌ی دفاع مقدّس است که در این پژوهش درخور بررسی است.

«عشق سال‌های جنگ»، دومین اثر فتّاحی با موضوع جنگ است که در سال ۱۳۷۳ در ۲۶ فصل نوشته شده است. حوادث داستان در اوایل ۱۳۵۹، همزمان با درگیری‌های داخلی در کردستان شروع می‌شود. شخصیت اصلی رمان، جوان دانشجویی به نام حمید است که پس از انقلاب و تعطیل شدن دانشگاه‌ها از تهران به کردستان می‌رود تا با نیروهای ضد انقلاب مقابله کند. حمید در کرمانشاه با دختری به نام نرگس آشنا می‌شود و به خواستگاری او می‌رود؛ اما نرگس را از کودکی برای پسر عمه‌اش - اردلان - نامزد کرده‌اند. اردلان، پزشک است. پدر نرگس، موافق ازدواج او با دخترش است؛ ولی خود نرگس به این وصلت راضی نیست و به حمید، دل بسته است. بالاخره نرگس به اردلان جواب رد می‌دهد و به عقد حمید درمی‌آید. اردلان از شدت ناراحتی درخواست انتقال به ارومیه می‌دهد و به آنجا می‌رود. حمید در عملیات آزادسازی اُسرا از دست ضد انقلاب، رهبری عملیات را بر عهده دارد. او در یک درگیری به شدت زخمی می‌شود و به توصیه‌ی پزشکان برای ادامه‌ی معالجه به ارومیه منتقل می‌شود. در بین راه و در حین انتقالش با هلی کوپتر به بیمارستان، ناگهان هلی کوپتر دچار سانحه می‌شود و سقوط می‌کند. حمید در مزرعه‌ی گندم یک روستا می‌افتد. پس از ساعت‌ها، پیرمردی از اهالی روستا به نام شیخ بابا او را پیدا می‌کند و به قصد کمک، مدت زیادی او را مخفیانه در روستا نگه می‌دارد و منتظر داماد و پسرش می‌ماند که به حمید کمک کنند؛ ولی جراحات حمید مُتَعَمَّن شد و در آستانه‌ی مرگ گرفت. پیرمرد با کمک دوستش که اتفاقاً دخترش در بیمارستان ارومیه کار می‌کند و از قضا با همکاری اردلان (همراه با احساس سراسر کینه و نفرت نسبت به حمید) به بیمارستان آنجا برده می‌شود. اردلان، تمام مدارک حمید را سر به نیست و او را به عنوان بیماری ناشناس معرفی می‌کند و با عمل‌های جراحی متعدّد، چهره‌ی حمید را به بدترین شکل ممکن درمی‌آورد و یک چشم او را هم نابود می‌کند. از سوی دیگر، نرگس و خانواده‌اش همه جا را به دنبال حمید می‌گردند. ملوک - مادر حمید - نیز بسیار نگران و مضطرب است؛ اما هیچ نشانی از او پیدا نمی‌کند. ملوک پس از مدتی از فراق فرزندش، بیمار می‌شود و از دنیا می‌رود. حمید که به شدت زخمی است، با دیدن صورت وحشتناک خود ترجیح می‌دهد ناشناس بماند؛ ولی پرستاری که تازه به آن بیمارستان آمده است، حمید را می‌شناسد. او، معصومه، دوست نرگس است. معصومه به نرگس خبر می‌دهد و نرگس نیز بلافاصله به برادرش مسعود اطلاع می‌دهد. مسعود از کرمانشاه به ارومیه می‌رود.

نرگس نیز با دوستش، زهرا و همسر او، علی به ارومیه می‌روند. نرگس با دیدن چهره‌ی حمید، بسیار وحشت می‌کند؛ اما پس از مدّت کوتاهی از کارش پشیمان می‌شود و حمید را با شرایط جدید می‌پذیرد. آن‌ها به درخواست حمید به کرمانشاه می‌روند. مردم شهر و خانواده‌ی نرگس به گرمی از آن‌ها استقبال می‌کنند.

## ۲-۳- بازتاب مؤلفه‌های رئالیستی در داستان

### ۱-۲-۳- خلق دنیای درون شخصیت‌ها

شخصیت‌ها به واسطه‌ی رفتار خاص و ویژگی‌های درونی که به وسیله‌ی نویسنده به طور عینی توصیف می‌شود، در ذهن خوانندگان باقی می‌مانند و با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. شیوه‌ای که خواننده به واسطه‌ی آن با شخصیت‌ها، احساس نزدیکی و صمیمیت بیشتری می‌کند و کاملاً با او آشنا می‌شود. در این رمان که نخستین تجربه‌ی فتّاحی در زمینه‌ی بزرگ‌سالان است، برجسته‌ترین موضوع در نگاه اوّل، عشق و دلدادگی است که در لابه‌لای حوادث جنگ و جبهه هم‌چنان حضور خود را حفظ می‌کند. عنصر عشق - اعم از عشق مادرانه و زنانه - در این داستان به اوج می‌رسد و ابعاد مختلفی از احساسات و عواطف انسانی، اعم از دل‌تنگی‌ها، شنیدن خبر مرگ عزیزان و... به طور واضح بازتاب یافته است. عشق در این داستان، جزء لاینفک در وجود شخصیت‌های داستانی است. ماجرای عشق نرگس به حمید که تاوان سنگینی برای او داشته است، همه را به جان و دل می‌خرد. این عشق و دلدادگی در ذهن نرگس نیز مرور می‌شود:

«چیزی که ناگهان ذهن نرگس را پر کرده بود، آگاهی نسبت به مسأله‌ای بود که اگرچه کوچک و ساده بود، نقش مهمّی در زندگی او داشت. این که در وجود آدمی، عشق زمینی و عشق خدایی توأمّاً باعث عشق و محبّت و دوستی می‌شود. هرگاه عشق زمینی غلبه کند و با محبّت بشری، کسی را دوست داشته باشی، احتمال این خطر است که روزی برسد که محبّت به نفرت تبدیل شود. . . .» (فتّاحی، ۱۳۸۸: ۳۵۲).

درگیری‌های درونی نرگس با خودش نیز در این داستان جلوه‌نمایی می‌کند. او از این که حمید به عملیات رفته، پر از دلشوره و نگرانی است و لحظه‌ای از این فکر بیرون نمی‌آید «تا نیمه‌های شب سعی می‌کرد انگیزه‌های تازه‌ای پیدا کند و خود را مشغول دارد. . . . گاه به معصومه فکر می‌کند. . . باز همان افکار مثل فیلمی که روی نوار ضبط شده باشد، در ذهنش به حرکت درآمده بود.» (همان: ۲۲۹).

دغدغه‌های درونی و کشمکش بین عشق زمینی (نرگس) و عشق خدایی در حمید نیز از دیگر تصاویری است که در کلّ داستان، دنیای درون این شخصیت را شرح می‌دهد.

عواطف در این داستان از بُعد دیگری (علاوه بر عشق و دلدادگی) نیز رخنه کرده است و آن، بیان احساسات حمید پس از زخمی شدن از ناحیه‌ی صورت است. ترسیم دنیای پر از اضطراب و تنش درونی حمید در این داستان، بسیار پررنگ است. او پس از جانباز شدن، زمانی که به اوضاع خود واقف می‌شود، دچار سرگردانی روحی می‌شود و از رو به رو شدن با نرگس واهمه دارد:

«در دل گفت: آیا با این چهره‌ی کریه سزاوار است که نرگس را خبر کنم؟» (همان: ۳۲۵).

درون حمید، دیگر پر از اضطراب و دوگانگی شده بود. از یک طرف، عاشق نرگس بود و از طرفی دیگر، نمی‌خواست زندگی نرگس را خراب کند:

«آیا رواست که تا عمر دارم، نرگس را پای‌بند زندگی مفلوک خود کنم؟» (همان: ۳۲۵).

«نه بگذار همین جا بمانم و برای همیشه خاطره‌ی زیبا و روشنی از خود در ذهن نرگس باقی گذارم.»

(همان: ۳۲۶).

نویسنده علاوه بر این که تصویرگر جنگ و زحمت‌ها و مشقت‌های رزمندگان است، سعی می‌کند با خلق دنیای درون این رزمندگان، مخاطب را به کنکاش درون شخصیت‌ها نیز وادار کند. در داستان «عشق سال‌های جنگ»، یکی از شخصیت‌ها، اردلان است که نویسنده، درون پر از کینه و حس انتقام او را با شدت زیادی نشان می‌دهد، تا جایی که وقتی جسد نیمه‌جان حمید به دستش می‌افتد، زهرش را می‌ریزد و چهره‌ی او را با عمل‌های ناپسند به بدترین شکل ممکن درمی‌آورد (همان: ۳۵۷).

شخصیت دیگری که در این داستان، دنیای درونش بازتاب داده می‌شود، پدر نرگس است که برای دخترش آرزوهای زیادی دارد و در هر شرایطی، خوشبختی فرزندانش را می‌خواهد:

«برایش آرزوهای زیادی داشتم، خودش کارها را خراب کرد.» (همان: ۱۲۶).

دغدغه‌های مادر نرگس هم خبر از درون پر از آشوب و هیاهوی وی می‌دهد که نگران مخالفت نرگس

با پدرش بر سر ازدواج با اردلان است:

«اگر تو، اردلان را انتخاب نکنی، بابایت هم آن کسی را که تو انتخاب کرده‌ای، قبول نمی‌کند. آن

وقت این وسط، من بدبخت باید بسوزم.» (همان: ۱۵).

و یا زمانی که پدر نرگس موافقت می‌کند که نرگس با حمید ازدواج کند، او نیز از صمیم قلب

خوشحال می‌شود:

«اختر، مادر نرگس با چشمانی که از شوق برق می‌زد، خم شد و پیشانی نرگس را بوسید.» (همان:

۱۲۶).

به تصویر کشیدن دنیای درون ملوک، مادر حمید که به تنهایی با مشقت رخت‌شویی، حمید را بزرگ کرده بود (ر. ک: همان، ۱۳۳)، نیز از نمونه‌های دیگر از ترسیم دنیای درون شخصیت‌هاست. او، بارها به ماه نگاه می‌کرد و از این طریق با پسرش سخن می‌گفت و درد و دل می‌کرد:

«حمیدم! نور دیده‌ام! کجا هستی حالا؟ کجایی جان دلم؟ نمی‌خواهی بیایی؟» (همان: ۳۰۶-۳۰۵).

و سرانجام هم از شدت اندوه و نگرانی برای سرنوشت حمید می‌میرد.

تصویر دنیای پر از غم و استرس معصومه، یکی از غم‌انگیزترین تصویرهای این داستان است. نفرت مادر شوهر و دندان تیز کردن برادر شوهر نسبت به او از واقعیت‌های تلخ داستان است که دنیای درونی این شخصیت زن را می‌شکند و او را پیر می‌کند:

«معصومه، لحظه‌ای مات سکینه را نگاه کرد. از چه حرف می‌زد؟ نمی‌دانست. ناگهان همه چیز را

فهمید. پاهایش سست شد و... در یک لحظه پیر شد.» (همان: ۳۱۵).

نویسنده حتی در حین ترسیم صحنه‌هایی از جبهه و جنگ نیز به تصویر درون شخصیت‌ها توجه داشته است؛ مثلاً، شخصیت ملاابراهیم که درونش پر از آتش انتقام برادرش است، باز هم دلسوزی او نسبت به اوستا عباس به زیبایی ترسیم می‌شود (همان: ۱۱۶).

#### ۲-۲-۳- ترسیم وقایع زشت جامعه

نویسنده علاوه بر این که به وقایع جنگ و جبهه توجه می‌کند، برای ترسیم وضعیت افراد در پشت جبهه و جامعه‌ی زخم‌خورده‌ی آن دوره، گهگاهی به ترسیم مردم اجتماع و وضعیت خود جامعه در سطوح مختلف می‌پردازد. یکی از وقایع زشتی که نویسنده از آن به عنوان سایه‌ی سنگینی بر زندگی انسان‌ها به تصویر کشیده است، خرافه‌پرستی است که گریبان برخی از شخصیت‌های زن داستان را گرفته است؛ از جمله مادر کاظم که عروسش را «جغد شوم» می‌خواند (همان: ۳۱۲).

تصویر فرصت‌طلبان جامعه همچون پرویز که تنها برای مقام و شهرت به میدان جنگ و جبهه می‌روند تا در بین مردم، ادارات و سازمان‌ها، محبوبیت پیدا کنند، نیز از جمله این وقایع ناخوشایند در داستان است: «قرار شده بود پرویز را در بنیاد استخدام کنند و کار درست و حسابی به او محول سازند.» (همان: ۲۷۱).

از دیگر وقایعی که در این داستان، باعث آسیب جامعه شد، درگیری گروهک‌ها با سپاه است که درگیری و ناامنی را در کردستان رقم زده است:

«درگیری درست می‌کنند، می‌روند داخل خانه‌ی روستاییان سنگر می‌گیرند.» (همان: ۱۴۷).

یا وجود جاسوسانی در روستاها (همان: ۱۹۵) و صحنه‌ی اعدام رشید به عنوان خائن به وسیله‌ی

مهاجمین (همان: ۲۵۳)، نبود امکانات و دیر رسیدن مجروحین به بیمارستان (همان: ۱۷۵).

## ۳-۲-۳- تیپ‌سازی از شخصیت‌ها

به اعتقاد لوکاج، «شاخصه‌ی یک اثر رئالیستی، ابداع شخصیت نوعی است که توصیف‌کننده‌ی قشر و طبقه‌ای است که از آن برخاسته است.» (لوکاج، ۱۳۸۰: ۲۰). در داستان‌های رئالیستی، گاهی نویسندگان به تیپ‌سازی روی می‌آورند. درک این تیپ‌ها برای فهم آسان داستان، مفید است. در این رمان، برخی شخصیت‌ها، نماینده‌ی یک تیپ هستند. شخصیت‌های نوعی یا تیپ، نشان‌دهنده‌ی خصوصیات گروه یا طبقه‌ای از مردم هستند. مادر نرگس، نمونه و تپیی از شخصیت زنان جامعه‌ی خود است که در فضای زندگی سنتی، هویت خود را پیدا کرده است. او از جمله زنانی است که نمی‌تواند روی حرف شوهرش حرفی بزند یا حتی برای مخالفت با ازدواج دخترش با اردلان نیز قدرتی ندارد و بالاخره راضی می‌شود: «بارها بر سر این موضوع با پدر نرگس بگومگو کرده بود؛ ولی ظاهراً مادر هم، دیگر راضی شده بود که همین جوان مغرور دیروز، داماد امروز او شود.» (همان: ۱۲).

پرویز، نماینده‌ی افراد فرصت‌طلب و ریاکار جامعه است که همیشه در پی فرصتی برای ارتقای مقام و کسب شهرت بود و از جنگ و جبهه، چیزی جز فرار از عملیات‌ها و تنها به فکر خودشان بودن، چیز دیگری نمی‌دیدند:

«عقلش به او می‌گفت: چند روزی صبر کن و خودت را یک جوری از صحنه‌های درگیری دور نگه دار و بعد به عنوان بسیجی و رزمنده به تهران بازگرد.» (همان: ۲۶۸).

یکی از تیپ‌سازی‌های برجسته در این داستان، شخصیت نوعی رشید است که از زبان خودش و حمید بیان می‌شود که رشید، نماینده‌ی تیپ مهاجمین ناآگاه است:

«در همه‌ی دنیا دو جور جنگجو داریم. یک طرف کسانی که می‌دانند برای چه می‌جنگند و یک طرف هم کسانی که نمی‌دانند... این دسته‌ی دوم اکثراً مزدورند...» (همان: ۱۰۵).

«حمید که این تغییر حالات را در رشید حس کرده بود... با خود گفت: چه بسا همه‌ی کسانی که با ما می‌جنگند مثل رشید خودمان باشند...» (همان: ۱۰۶).

حمید هم نماینده‌ی افراد سپاهی و انقلابی سرسختی است که در تمام هم و غم او، مردم درگیر جنگ هستند. رزمندگان هم تیپ کاظم که جان خود را در راه وطن فدا کرده‌اند، یا زنانی چون معصومه که همسرشان را در جنگ از دست داده‌اند و سوگوار نشسته‌اند و در راه آرمان‌های شوهر شهیدشان گام برمی‌دارند و جزء آن دسته زنانی است که در زمان جنگ به یاری مجروحین می‌شتافت. نرگس هم نماینده‌ی تپیی از خواهران پیرو خط امام است که از راه‌های تبلیغاتی و فرهنگی، سعی می‌کند به آرمان‌هایش نزدیک شود. او، نماینده‌ی همسران جانبازان و رزمندگان و شهدایی است که از جمله چهره‌های ماندگار در ادبیات جنگ هستند.

#### ۴-۲-۳- زبان عامیانه

رنالیست از زبان همچون ابزاری جهت نزدیک شدن به زندگی روزمره استفاده می‌کند. در حقیقت، «هر چقدر گفتار شخصیت‌ها و سبک و سیاق بیان راوی به زبان واقعی و موقعیت‌های معمولی و روزمره نزدیک باشد، به همان میزان، واقع‌نمایی داستان بیشتر می‌شود.» (پاینده، ۱۳۸۹: ۹۲).

در نگاهی کلی به این داستان، می‌توان به این مسأله پی برد که در این رمان، یکدستی و همواری در گفتگوهای میان اشخاص داستانی دیده نمی‌شود. علاوه بر این که شخصیت‌ها گاهی متکلفانه و رسمی صحبت می‌کنند، گاهی گفتگوها، محاوره‌ای و شکسته می‌شود؛ البته این مؤلفه در این داستان، چندان پررنگ نیست و جز در موارد معدود، جملات بیشتری یافت نشده است؛ زیرا اگرچه نویسنده از جملات ادبی بسیاری استفاده کرد تا سطح تحصیلات شخصیت‌های داستانش را نشان دهد، تنها در چند صحنه‌ای از داستان از حرف‌های رکیک و زنده‌ای که بین مهاجمینی از جمله عثمان و کاک ابراهیم استفاده شده است یا ضرب‌المثلی که از زبان شخصیت عامی مانند پدر نرگس بیان می‌شود، به زبان عامیانه است که مناسب شخصیت عامی اوست:

«کس نخارد پشت تو، جز ناخن انگشت تو.» (همان: ۲۴۱).

نویسنده گاهی در لابه‌لای سخنان شخصیت‌های تحصیل کرده‌ی خود، لحن و زبان عامیانه و عادی را جای می‌دهد تا داستان را در حالت فلسفی به واقع‌گرایی نزدیک‌تر کند:

«طرف ما چقدر کشته دادند! تازه اینها چیزهایی است که من دیده‌ام در این نقطه‌ی دورافتاده‌ی زمین.» (همان: ۸۰).

«وای دست‌هایش کو؟ نمی‌شود تکان داد. همین طوری بگذاریدش اینجا!» (همان: ۶۲).

«مادرش که نگران شده بود پرسید: چی شده؟ چرا گریه می‌کنی؟» (همان: ۱۶).

«یعنی این قدر وضع خمینی خراب شده که دست به دامن تو چلاق پیر شده است؟» (همان: ۱۲۲).

#### ۵-۲-۳- توصیف جزئیات

یکی از مهارت‌های نویسنده، ترسیم جزئیات در تصویرسازی است که مخاطب را با شخصیت‌های داستانی، همراه و همگام می‌کند. از همان آغاز، فضای این داستان، حال و هوای جنگ و جبهه و مشقت‌های آن است که با شرح جزئیات صحنه‌های ریز بر تمام داستان، سلطه دارد. راوی در این داستان به بیان عملیات‌های مختلف که سپاهیان در کرمانشاه انجام می‌دادند، به بیان تمامی جزئیات جغرافیایی منطقه‌ی کردستان می‌پردازد؛ به طوری که تسلط و شناخت کامل راوی از آن منطقه را نشان می‌دهد و همین امر، خود موجب واقعی جلوه کردن حوادث می‌شود.

توصیف جزء به جزء حوادث جنگ در صحنه‌هایی از داستان که واقع‌گرایی آن را تشدید می‌کند، مانند:

«نیروهایی که تازه از کامیاران آمده بودند، خودشان را آماده کردند تا با سبک شدن آتش به جلو بروند. نیروها به ردیف روی زانوهای‌شان تکیه داده بودند و صحنه‌ی کارزار را نظاره می‌کردند. فرماندهی دسته، آرام و قرار نداشت. . . پیوسته! بی‌سیم با فرمانده قاسم تماس می‌گرفت و کسب تکلیف می‌کرد. . .» (همان: ۱۵۳).

صحنه‌های درگیری و فرار حمید و هادی، صحنه‌ی قتل رشید، صحنه‌ی وضعیّت جسد نیمه‌جان حمید و . . . همگی با توجه به جزئیات، مانند یک داستان رئال به نمایش گذاشته می‌شوند.

یا مثلاً شرح تشییع جنازه‌ی کاظم که با وصف جزئیات بیان شده است:

«نرگس و معصومه در کنار هم و داخل ماشینی نشسته بودند. ماشین جلوی آن‌ها، جنازه‌ی کاظم را حمل می‌کرد. جنازه را در پارچه‌ی سفیدی پوشانده بودند و دسته گل بزرگی که در وسط آن، عکس بزرگی از کاظم لبخند می‌زد روی آن بود.» (همان: ۹۰).

۶-۲-۳- تأکید بر واقعیت‌های ملموس زندگی

این رمان از نظر سبک پرداخت، در شاخه‌ی رمان‌های واقع‌گرا در حوزه‌ی ادبیات دفاع مقدّس محسوب می‌شود؛ زیرا فتّاحی، سختی‌های جنگ را به شکل‌های متفاوتی بیان می‌کند که از جمله آن، شهید شدن نیروهای رزمنده، اسیر شدن آن‌ها به دست مهاجمان، قطع عضو و از کار افتادگی آن‌ها و هزاران مصائبی که دلاوران باغیرت ایرانی در دفاع مقدّس آن را تحمّل کرده‌اند تا جان و مال و ناموس هم‌میهن‌شان از فتنه و دستبرد در امان بماند. فضای کلی داستان، حال و هوای جنگ دارد. نویسنده‌ی این اثر، گویا خود در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل شرکت جسته و رشادت‌ها، شهادت‌ها و ایثارها را به عینه دیده و حس کرده است.

داستان، روایت غریبانه‌ای ندارد؛ بلکه با مخاطبان، هم‌رنگ و آشناست. شخصیت‌های این داستان، شخصیت‌های جنگ‌زده‌ای هستند که چندان دور از ذهن مخاطب قرار نمی‌گیرند. مانند شخصیت نرگس که در کنار شغل معلّمی به صورت افتخاری در بیمارستان به مجروحان کمک می‌کند و شخصیت حمید که شجاعانه مانند همه‌ی رزمندگان آن زمان می‌جنگد، مقاومت می‌کند و مجروح می‌شود و . . . این داستان از بُعد واقع‌بینی و حقیقت‌مانندی، می‌تواند یکی از داستان‌هایی محسوب شود که اتّفاقات و حوادث در آن، بارها ممکن است برای بسیاری اتّفاق افتاده باشد؛ بنابراین، قدرت باورپذیری را در خواننده تقویت می‌کند.

به کار بردن نام شخصیت‌های تاریخی و مذهبی که واقعیت دارند و ملموس‌اند، از جمله ترفندهای نویسنده در نشان دادن ماجراهای واقع‌گرای داستان است:

«یعنی این قدر وضع خمینی خراب شده که دست به دامن تو چلاق پیر شده است؟» (همان: ۱۲۲).  
توصیف جریان زندگی و مرگ در زندان‌های اسرا که باید از میان خود، یکی را برای اعدام انتخاب می‌کردند (همان: ۱۹۷)، توصیف زندگی خصوصی و عاشقانه‌ی رزمندگانی که از طرفی دغدغه‌ی جنگ دارند و از طرفی درگیر خانواده و روابط عاطفی‌شان هستند (همان: ۱۷۸) و... همگی بیان واقعیتی است که انسان‌ها در زندگی روزمره می‌توانند آن را تصور کنند.

فتّاحی، سختی‌های جنگ را به شکل‌های مختلف بیان می‌کند و شهید شدن نیروهای رزمنده، اسیر شدن آن‌ها به دست مهاجمان، قطع عضو و از کارافتادگی آن‌ها و کارهای طاقت‌فرسای زنانی مانند نرگس و معصومه به خاطر شرایط حادّ جنگی، همه را در جهت باورپذیری بیشتر و نزدیکی مخاطبان به زندگی در میان حوادث جنگ به تصویر می‌کشد.

#### ۷-۲-۳- توجه به زمان و مکان

واقعی بودن رخداد و تناسب فضا و رنگ و صحنه با زمان داستان در حقیقت مانند داستان، مؤثر است. نویسنده، این داستان را در بیست و شش فصل به صورت مجزّاً و جداگانه بیان می‌کند؛ به گونه‌ای که تسلسل مطالب و حوادث داستان در فصل‌های مختلف با رعایت تداخل زمانی و جاری بودن زمان‌های موازی، بر کلّ زمان، حاکم است. اهمیت به مکان و صحنه نیز در حین رعایت زمان در این داستان مشاهده می‌شود؛ مثلاً، نویسنده در ابتدای داستان، حرکت حمید و هادی از قصر شیرین به سوی کرمانشاه و در آغاز فصل دیگر، ورود نرگس به بیمارستان و فضای دردناک آن مکان را همراه با وصف زمان توصیف می‌کند:

«بعد از ظهر بود روزی روشن، گرم و فرح‌بخش، پیکان سفید رنگی با مسافر از قصر شیرین به طرف کرمانشاه در حرکت بود» (همان: ۵).

زمان وقوع حوادث داستان، اوّلین روزهای سال ۱۳۵۹ و صحنه‌ی آن از نظر جغرافیایی، استان کردستان و کرمانشاه است:

«زندگی در کردستان و مسؤولیتی که داشت، وادارش کرده بود که هر آن به چند جا توجه داشته باشد.» (همان: ۵).

#### ۸-۲-۳- زاویه‌ی دید

داستان به مثابه کجاوه‌ای است انباشته از صحنه‌ها، کنش‌ها، احساسات و تجربیات زندگی در برهوتی نامعلوم. در این وادی، نویسنده‌ی مُجربّ، چونان ساربانانی است که راه را می‌داند و تا زمانی که بار مقصود

خویش را به مقصد نرساند، آرام و قرار ندارد. نویسنده با رزمندگان حشر و نشر داشته است و همین امر باعث گردید تا شخصیت‌های قوام‌یافته‌ای را خلق کند و به همین سبب از زاویه‌ی دید دانای کل بهره برده است تا بتواند تمام تلاش خود را در نمایش افراد از دور داشته باشد.

نویسنده در این داستان به بازتاب حادثه‌ی غم‌بار جنگ که برای مردم ایران چیزی جز فلاکت و بدبختی به ارمغان نیاورده بود، می‌پردازد و با هنر واقع‌نمایی حوادث - از دریچه‌ی نگاه خویش - آن‌ها را شرح می‌دهد. او هم‌چنین در جای‌جای رمان خود، تجربیات خود درباره‌ی جنگ را بازگو می‌کند و از بیرون به بیان رفتار و حالات شخصیت‌ها می‌پردازد و در بیان گفتگوها نیز چنین زاویه‌ی دیدی رعایت شده است. راوی در این رمان، راوی ناظر است و تنها به شرح حوادث می‌پردازد، بدون این که قضاوتی در مورد شخصیت‌ها داشته باشد.

زاویه‌ی دید و نگرش نویسنده در ساختار روایت این رمان به گونه‌ای طراحی شده که نویسنده تنها گزارشگر واقعیت است. «مهم‌ترین و مناسب‌ترین شیوه‌ی روایی برای باورپذیر شدن رویدادهای داستان جنگ، روایت از منظر سوم شخص یا اول شخص است.» (پاینده، ۱۳۸۹: ۳۸).

#### ۴- نتیجه‌گیری

رمان «عشق سال‌های جنگ» از فتّاحی، یکی از رمان‌های برجسته در حوزه‌ی ادبیات دفاع مقدّس دهه‌ی هفتاد محسوب می‌شود که نویسنده سعی کرده که اصول و جنبه‌های مختلف مکتب رئالیسم در آن متأثر شود. این رمان به دلیل توانایی‌اش در ارائه‌ی مسائل واقعی و ملموس زندگی مردم جامعه‌ی جنگ‌زده، جایگاه و هویت معینی در ادبیات داستانی دفاع مقدّس پیدا کرده است.

عوامل متأثر از مکتب رئالیسم در این داستان را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

نویسنده در صحنه‌هایی که به تصویرسازی بیشتری احتیاج داشته، جزئیات را موبه‌مو در مقابل مخاطب ترسیم می‌کند به گونه‌ای که صحنه برای او ملموس باشد. به تصویر کشیدن شخصیت‌های بسیجی و رزمنده در داستان که نماینده‌ی افراد مثبت و معتقد در جامعه هستند به عنوان یک تیپ از برجسته‌ترین ویژگی‌های شخصیتی داستان محسوب می‌شود که در مقابل تیپ افراد متظاهری همچون پرویز قرار می‌گیرند. در این داستان، اگرچه زنان در پیشبرد داستان کمک‌چندانی نمی‌کنند؛ اما نماینده‌ی تیپ زنان و مادران فداکار دوران سخت جنگ تحمیلی هستند.

نویسنده در جای‌جای داستان، بدون این که نیاز باشد، سعی کرد زمان و مکان را نیز ثبت کند و این می‌تواند در واقع‌گرایی داستان نقش بسیاری داشته باشد. تأکید بر واقعیات ملموس زندگی نیز در این داستان به طور برجسته مورد اهمیت قرار گرفته است.

در این داستان، نویسنده سعی کرده است تخیل خود را چندان به کار نبرد و واقعیاتی را همچون تأثیرپذیری جوانان از جنگ، حوادث تلخ از دست دادن جوانان و ماجرای عشق و عواطف شخصی را که به نوعی با وجود رزمندگان گره خورده است، در داستان‌هایش بازتاب دهد. در این داستان، جنگ روحی و روانی از درون یک انسان نسبت به انسان دیگر آغاز می‌شود و از مجموع کنش‌های متناقض و متباین به وحدت و کمال و عشق می‌انجامد و از این رو زمینه‌ی بروز تسلیم و پذیرش را فراهم می‌سازد. کاربرد زبان ساده و محاوره‌ای که در گوشه و کنار این داستان در لابه‌لای گفتگوها به چشم می‌خورد و هم‌چنین، ترسیم وقایع زشت جامعه نیز این داستان را به رنگ تازه‌ای در آورده است. نویسنده در جای جای رمان از زاویه‌ی دید خود به بازگویی تجربیات خود درباره‌ی جنگ پرداخته است.

### منابع

- اولیایی‌نیا، هلن. (۱۳۷۹). **داستان کوتاه در آینه‌ی نقد**. تهران: نشر فردا.
- ارسطو. (۱۳۴۳). **فن شعر**. ترجمه‌ی عبدالحسین زرین‌کوب. چ ۱. تهران: انتشارات علمی.
- براهنی، رضا. (۱۳۶۸). **قصه‌نویسی**. چ ۴. تهران: البرز.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۹). **داستان کوتاه در ایران**. چ ۱ و ۲. تهران: نیلوفر.
- داد، سیما. (۱۳۸۰). **فرهنگ اصطلاحات ادبی**. چ ۴. تهران: مروارید.
- ریمون کنان، شلومیت. (۱۳۸۷). **روایت داستانی: بوطیقای معاصر**. ترجمه‌ی ابوالفضل حری. تهران: نیلوفر.
- سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۴). **مکتب‌های ادبی**. ج ۱ و ۲. تهران: نگاه.
- سلیمانی، محسن. (۱۳۸۷). **رمان چیست؟**. تهران: سوره‌ی مهر.
- فتّاحی، حسین. (۱۳۸۸). **عشق سال‌های جنگ**. تهران: قدیانی.
- کادن، جی. ای. (۱۳۸۰). **فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد**. ترجمه‌ی کاظم فیروزمند. تهران: شادگان.
- گرانت، دیمیان. (۱۳۷۹). **رنالیسم**. ترجمه‌ی حسن افشار. تهران: مرکز.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۷۱). **جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)**. ترجمه‌ی محمد پوینده. چ ۱. تهران: هوش و ابتکار.
- گلشیری، هوشنگ. (۱۳۸۰). **باغ در باغ (مجموعه مقالات)**. تهران: نیلوفر.
- لوکاج، جورج. (۱۳۸۱). **جامعه‌شناسی رمان**. ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده. تهران: نشر چشمه.
- لور، کاترین. (۱۳۸۱). **شناخت هنر رمان**. ترجمه‌ی محمد قلیچ‌خانی. تهران: روزنه.
- وات، ایان. (۱۳۷۴). **نظریه‌ی رمان**. ترجمه‌ی حسین پاینده. تهران: نظر.

– ولک، رنه. (۱۳۷۷). **تاریخ نقد جدید**. ترجمه‌ی سعید ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر.

– Toolan, M. (2001). **Narrative Critical Linguistic Introduction**. London and New York: Rutledge.